

متن پیاده سازی شده جلسه یازدهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 6 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در جلسه سابق گفتیم تحقیق در مساله متوقف بر بیان چند امر است که ما شروع به توضیح امر اول کردیم و در امر اول محل نزاع را با چهار قید بیان کردیم.

دو قید را توضیح دادیم و الان به توضیح قید سوم رسیده ایم؛ قید سوم: فتوایی مشهور به عنوان ظن خاص: شهرت به عنوان ظن مطلق انسدادی مورد بحث نیست.

سوال: فتوای مشهور به عنوان عنصری که اطمینان آور است آیا داخل در محل نزاع است یا نه؟

مرحوم آقای روحانی در این بحث به مناسبتی گوید شهرت اطمینان بخش از محل بحث خارج است و شهرت ظن آور به عنوان ظن خاص در بحث داخل است

مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آخوند و... می گویند شهرت به عنوان ظن خاص مورد بحث است و لذا شهرت به عنوان عنصری یقین آور و اطمینان آور مورد بحث نیست.

استاد: در امارات وقتی می گویند ظن خاص؛ یعنی چیزی که یقین نیست و ظن مطلق انسدادی هم نیست اما اطمینان از نظر اصولی داخل در ظن خاص است و لذا شهرت اطمینان بخش داخل در محل بحث است.

نکته: مرحوم آقای خوئی می فرمود شهرت در فتوا صفر است و تولید عدد نمی کند و لذا حجت نیست و... سوال ما از ایشان این است که اگر شهرت اطمینان بیاورد چه می فرمایید؟

دوستان بحث اطمینان را به طور مستقل در اصول نمی بینید و این بحث در اصول به صورت پراکنده مطرح شده است.

قید چهارم (در مقام افتا) این قید را آوردیم به خاطر اینکه ممکن است کسی قائل شود فتوایی مشهور کارایی سندی به عنوان ظن خاص در صدور فتوا ندارد ولی در قانون گذاری و قضاوت دارد.

سوالی که مطرح است این است که آیا قانون گذار فتوای مشهور را معیار قانون قرار داده است یا فتوای ولی فقیه را یا مجتهد اعلم را؟ این بحثی است که در فقه و اصول به آن پرداخته نشده است.

اگر گفته شود نظر مرجع اعلم را معیار قرار دهند این که نمی شود چرا که مراجع ما معمولاً در سنین بالا هستند و زود از دنیا می روند و لذا نمی شود هر چند سال قانون را تغییر داد؛ این مشکل در ولی فقیه هم جریان دارد و لذا فتوای مشهور اصابت به واقعه اش بیشتر از دیگر اقسام است؛ در قانون اساسی هم آمده است فتوای معتبر ملاک است و خود این قانون هم لیز است و معلوم نیست مراد از فتوای معتبر چیست.

استاد علیدوست: برای اینکه این نگاه رد بشود قید (در مقام افتا) را آوردیم چون بحث ما در مقام افتا است.

امر دوم: ما بحثمان در این است که آیا فتوای مشهور یکی از اسناد استنباط است یا نه؟

قانون گذار حکیم اگر بخواهد مطلبی را بفرماید باید به تناسب مطلب، بیان بیاورد (کفایت بیان باشد) مثلاً اگر مطلبی خلاف رویه مردم باشد مثلاً همه مردم ربا می گیرند قانون گذار می خواهد ربا را حرام کند اگر در جمع سه نفر بیاید و حرمت ربا را اعلام کند این نوع بیان خلاف حکمت است چرا که برای مخالفت با رویه مردم، باید روایاتی در فضای عمومی صادر شود.

روایت نحن معاشر الانبیاء لا نورث... این روایتی است که اهل سنت ادعا دارند که نبی مکرم (ص) فقط به خلیفه اول گفته است و هیچ کس دیگر این روایت را نشنیده است؛ ما می گوییم این خلاف حکمت است چرا که مطلب به این مهمی را که به یک نفر نمی گویند.

در این بحث، ما می خواهیم فتوایی مشهور را به عنوان سند قرار بدهیم و فتوایی مشهور را سند بسیاری از فتاوا قرار دهیم و لذا چنین مطلبی باید در قالب روایاتی صحیح السند باشد نه اینکه حجیت فتوای مشهور، روایت زاره که ضعیف السند است باشد؛ و چنین بیان ضعیفی برای حجیت فتوای مشهور خلاف حکمت است.

مقدمه سوم: یکی از ادله قائلین به حجت فتوای مشهور، روایت ابن حنظله است که در مورد آن ما بحثی را خواهیم کرد. مرحوم آقای خویی در سند این مقبوله مناقشه کرد و مرحوم شیخ، مرحوم آخوند، نائینی، صدر و... هم مناقشه دلالتی در این روایت کرده اند.

استاد: به نظر ما این جور روایات که از اقبال عام در طول زمان برخوردار است و در بسیاری از کتب مشهور آمده است... معتبر است و این اقبال علما چیزی کمتر از توثیق نجاشی و... ندارد؛ و لذا ما سنناً این روایت را می پذیریم و فقط بحث دلالتی باقی می ماند.

برخی گفته اند که مقبوله دلالت بر شهرت روایی دارد نه فتوای مشهور؛ ما جلسه آینده با حوصله به این حدیث خواهیم پرداخت.

**و الحمد لله رب العالمین**